

# Study and Analysis of Quranic and Jurisprudential Evidences of Kindness towards Children with Emphasis on its Psychological Effects

## ARTICLE INFO

**Article Type**  
Research Article

### Authors

Alireza Khorami<sup>1</sup>,  
Mohammad Ali Heidari<sup>2\*</sup>,  
Massoud Raei Dehaghi<sup>3</sup>

### How to cite this article

Alireza Khorami, Mohammad Ali Heidari, Massoud Raei Dehaghi, Study and Analysis of Quranic and Jurisprudential Evidences of Kindness towards Children with Emphasis on its Psychological Effects, *Journal of Quran and Medicine*. 2021; 6(3): 52-60.

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding Author)
3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran .

\* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: ma1.heidari@yahoo.com

### Article History

Received: 2021/04/22

Accepted: 2021/06/26

ePublished: 2021/12/21

## ABSTRACT

**Purpose:** The present study tries to study and analyze the Qur'anic and jurisprudential evidences of kindness towards children with emphasis on its psychological effects in order to clarify the Qur'anic and Shari'a ruling of this issue through these studies.

**Materials and Methods:** This research has been carried out by the method of library studies and in a descriptive-analytical manner, which has been obtained and analyzed by referring to Quranic, narrative and scientific texts.

**Findings:** Studies show that people who love themselves and others are less likely to experience anxiety and failure in catastrophic and stressful situations. Compassion is an important construct in modulating people's response to stressful and worrying situations. God Almighty has also emphasized on compassion in the Holy Quran. Compassion for children can be seen in the following formats. Breastfeeding the child by the mother (وَأُولَادَاتٍ يَرْضِعْنَ وَأَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ) ... (Al-Baqara, 233), choose a suitable partner for children (وَأَنْكِحُوا الْأَيِّمَ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ) (Noor, 32) trying to save the children from the dangers of life and moral " وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ (Hud, 42) reform and development of denominational children with advice " وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّهُ كَانَ بِنَدْوَى إِبْرَاهِيمَ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ صَنَامُ" (Luqman, 13) according to children's future and their security " وَأَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَع وَيَلْعَب وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ" (Ibrahim, 35) providing Suitable for children to play and move around: "أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَع وَيَلْعَب وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ". Children are one of the types of parental affection for children in educational jurisprudence, which includes obligatory, forbidden, and recommended kindness. Observing justice between children is obligatory in all matters related to them, including loving and expressing love to parents, and the criterion for such observance of justice is the two indicators of "need" and "capacity" of children. According to these two indicators, where the needs and capacities of children are the same, justice leads to equality, and in fact, equality is obligatory in love, and among other permissions to differentiate between children, the existence of more important interests such as the possibility of sedition between children and There is a right for one of the children. In this case, discrimination is permissible and, in fact, justice in compassion is obligatory. The obligation of affection as a duty within the family is "obligatory sufficiency" for the parents, and since there is no alternative, it is "determinative obligatory".

**Conclusion:** The result of the study is that parents' concern for love by observing its jurisprudential rules as an obligatory "sufficiency, determination" is one of their mandatory family duties and most of the verses and narrations in this regard are parents. Therefore, it can be said that compassion is a duty that is more obligatory on parents, emphasized in educational jurisprudence.

**Keywords:** Quranic arguments, jurisprudential arguments, kindness to children, psychological effects, educational jurisprudence.

## بررسی و تحلیل ادله قرآنی و فقهی مهرورزی نسبت به

## فرزندان با تأکید بر آثار روحی-روانی آن

علیرضا خرمی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران .

محمدعلی حیدری<sup>۲</sup>

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

مسعود راعی دهقی<sup>۳</sup>

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

## چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر تلاش می‌کند ادله قرآنی و فقهی مهرورزی نسبت به فرزندان با تأکید بر آثار روحی-روانی آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا از رهگذر این بررسی‌ها حکم قرآنی و شرعی این مسأله مبرهن گردد.

**مواد و روش‌ها:** این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به متون قرآنی و روایی و علمی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**یافته‌ها:** مطالعات نشان می‌دهند افرادی که به خود و دیگران مهر می‌ورزند، کمتر دچار اضطراب و شکست در موقعیت‌های فاجعه‌بار و تنش‌زا می‌شوند. مهرورزی سازه مهم در تعدیل واکنش افراد به موقعیت‌های تنش‌زا و نگران‌کننده است. خداوند متعال نیز در قرآن کریم بر مهرورزی تأکید فراوانی داشته است. مهرورزی نسبت به فرزندان در قالب‌هایی زیر می‌توان مشاهده کرد. شیردادن فرزند توسط مادر ("وَأَوْلَدَاتٍ يُرِضَعْنَ حَوْلَیْنِ كَامِلَیْنِ...") (بقره، ۲۳۳)؛ انتخاب همسر مناسب برای فرزندان: ("وَأَنْكَحُوا الْأَیْمَآءَ...") (نور، ۳۲)؛ تلاش برای نجات فرزندان از خطرهای جانی و اخلاقی: "وَنَادَى نُوْحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِی مَعْزَلٍ یَبْنِیْ اِرْكَبَ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِیْنَ" (هود، ۴۲) اصلاح و رشد گرایش‌های اعتقادی فرزند با پند و اندرز: "وَإِذْ قَالَ لُقْمَنُ لَابْنِهِ وَهُوَ یَعْظُهُ وَیَسْنِیْ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ" (لقمان، ۱۳) توجه به آینده فرزندان و امنیت آنها: "وَإِذْ قَالَ اِبْرَاهِیْمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ اٰمِنًا وَاجْنُبْنِیْ وَبَنِيَّ اَنْ نَّعْبُدَ اِلَّا هُوَ" (ابراهیم، ۳۵) فراهم آوردن زمینه مناسب برای بازی و گردش فرزندان: "أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا یَرْتَعُ وَیَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَفْظُونَ".

بررسی و تحلیل ادله قرآنی و فقهی بیانگر آن است که رحم بر فرزندان، روش تصابی، اکرام فرزند، بوسیدن فرزندان از انواع روش‌های مهرورزی والدین بر فرزندان در فقه تربیتی است که شامل مهرورزی واجب، حرام، مستحب می‌شود. رعایت عدالت بین

فرزندان در تمامی امور مربوط به آنها و از جمله مهرورزی و ابراز محبت بر والدین واجب بوده و ملاک این گونه رعایت عدالت دو شاخص «نیاز» و «ظرفیت» فرزندان است. با توجه به این دو شاخص، در جایی که نیاز و ظرفیت فرزندان با یکدیگر یکسان باشد عدالت‌ورزی به مساوات منجر می‌شود و در واقع، مساوات در مهرورزی واجب است و از دیگر مجوزهای تفاوت‌گذاری میان فرزندان، وجود مصالح مهم‌تر مانند احتمال فتنه میان فرزندان و نیز وجود حق برای یکی از فرزندان است. در این صورت تبعیض جایز و در واقع، عدالت در مهرورزی، واجب است. وجوب مهرورزی به منزله یک وظیفه در محدوده خانوادگی بر پدر و مادر «واجب کفایی» است و چون جایگزینی ندارد «واجب تعیینی» است. نتیجه‌گیری: نتیجه پژوهش این است که اهتمام والدین به مهرورزی با رعایت احکام فقهی آن به عنوان یک واجب «کفایی، تعیینی» جزو تکالیف الزامی خانوادگی آنهاست و مخاطب اکثر آیات و روایات وارده در این خصوص والدین هستند. بنابراین می‌توان گفت که مهرورزی یک تکلیف به الزام بیشتر بر والدین، مورد تأکید فقه تربیتی است.

**واژگان کلیدی:** ادله قرآنی، ادله فقهی، مهرورزی نسبت به فرزندان، آثار روحی-روانی، فقه تربیتی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

\*نویسنده مسئول: ma1.heidari@yahoo.com

## مقدمه

مهرورزی نسبت به فرزندان یکی از بایسته‌های زندگی ایده آل محسوب می‌شود. به تعبیر دیگر یکی از شاخصه‌ها و وظایف والدین نسبت به فرزندان محبت و مهرورزی نسبت به آنان است. تراث ارزشمند اسلامی اعم از قرآن کریم و روایات اسلامی و سیره پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) همگی مویذ این مطلب است که والدین همواره باید فرزندان خود را از محبت و مهرورزی خود سیراب نمایند و این نیاز غریزی آنان را تأمین نمایند.

بر اساس تحقیقات انجام شده (۱) یکی از علل مهم جرم و بزهکاری انسانها، کمبود مهر و محبت است. مورس دبس «در تبیین نظریه «یگانگی عاطفی» بیان می‌کند: «وقتی کودک و نوجوان به الگویی محبوب علاقه مند شد، تلاش میکند وجود خود را متصف به صفات او نماید و از خود رفتاری نشان دهد که مورد تأیید آن الگو باشد». ژان هانری پستالوزی نیز، در تعلیم و تربیت، محبت را اساس کار خود قرار میدهد و انضباط خشک و توأم با خشونت را - که در آن زمان رایج بود- به کار نمی‌گیرد. او بر این باور بود که عشق و محبت و مهرورزی تنها پایه و اساس همیشگی تربیت است. بدون عشق به متری، قوای فیزیکی و عقلانی او رشد طبیعی نخواهند داشت (۲). هریک از تحقیقات انجام یافته (۳، ۴) به نحوی، حاکی است که بین محبت، مهرورزی و تربیت رابطه مستحکمی وجود دارد. در کتب روایی شیعی مانند «مشکاة الانوار فی غرر الاخبار» تألیف

مهرورزی با اصلاح و رشد گرایش‌های اعتقادی فرزند با پند و اندرز حضرت لقمان برای انجام دادن وظایف اعتقادی خود در برابر فرزندش نکات مهمی درباره توحید الهی و معاد برای او بیان می‌کند؛ از جمله می‌فرماید:

"وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لَابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ وَيَسْنِي لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ؛ (لقمان، ۱۳) هنگامی که لقمان به پسر خویش در حالی که او را اندرز می‌داد گفت: ای پسرک من، به خدا شرک میاور که به راستی شرک ستمی بزرگ است".

همچنین آیه ۱۶ همین سوره درباره مسئله معاد و بازگشت انسان‌ها و اعمالشان به سوی خداست.

مهرورزی با آموزش احکام شرعی "يَسِّنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ؛ (لقمان، ۱۷) ای پسرک من، نماز را به پای دار و به کار پسندیده امر کن و از کار ناپسند و حرام نهی نما و بر آسیبی که بر تو وارد می‌شود صبر کن".

در این آیه، حضرت لقمان فرزندش را با وظایف و احکام فردی و اجتماعی آشنا می‌نماید.

مهرورزی با آموزش رفتارها و روحیات صحیح اخلاقی حضرت لقمان در آیات ۱۸ و ۱۹ سوره لقمان چند نکته اخلاقی مهم را به فرزندش گوشزد می‌کند و ضرورت مراقبت پدر را نسبت به رفتارها و روحیات اخلاقی فرزندش آشکار می‌سازد:

- نسبت به مردم بی‌اعتنا نباش و روی از آنان مگردان: "لَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ"

- مغرورانه بر روی زمین راه مرو: "وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا"

- در راه رفتن اعتدال را رعایت کن: "وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ"

- در سخن گفتن نیز اعتدال را رعایت کن و با صدای بلند حرف مزین: "وَإِغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ"

مشورت کردن با فرزندان و توجه به دیدگاه‌های آنان پس از آن که حضرت موسی از مجازات فرعون می‌گریزد و به قریه حضرت شعیب می‌رسد، به دختران آن حضرت در بالا کشیدن آب از چاه کمک می‌کند. آن‌گاه یکی از دختران حضرت شعیب، داستان را برای پدر تعریف می‌کند. بدین سبب آن حضرت، موسی را به خانه دعوت می‌کند و سپس با دختران جوان خود مشورت می‌کند که با این جوان چه رفتاری کنیم؟ قرآن سخن یکی از دختران را چنین نقل می‌کند:

"قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْذِنْهُ لِنَفْسِنَا أَنْ نَكُونَ مِنَ الْكَافِرِينَ؛ (هود، ۴۲) آن کشتی ایشان را در میان موجی کوه‌آسا می‌برد و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ زد ای پسرک من با من سوار شو و با کافران مباش".

در حالی که سیل همه جا را فرا گرفته حضرت نوح در کشتی نجات بود، یک لحظه از وضعیت فرزندش غافل نشد و برای نجات جسم او از غرق شدن و جان او از کفر خطاب به او آیه ذکر شده را بیان فرمود.

مهرورزی با مراقبت بر نماز خواندن فرزندان "وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ (طه، ۱۳۲) خانواده [زن و فرزندان] خود را به نماز فرمان بده و خود بر آن شکیبا باش".

"يَسِّنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ؛ (لقمان، ۱۷) حضرت لقمان به فرزندش گفت: پسر نماز را به پادار.

طبرسی(۵) و نظایر آن، باب (بخش) مستقلى به مقوله «محبت» اختصاص داده شده است. اما علیرغم پژوهش‌های انجام شده در خصوص مهرورزی هنوز جای خالی تحلیل و بررسی ادله قرآنی و روایی این مسأله احساس می‌شود. بنابراین سوال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه: «ادله قرآنی و فقهی در خصوص مهرورزی نسبت به فرزندان چه رویکردی دارد؟» برای پاسخ به این پرسش با تأکید بر آثار روحی- روانی مقوله مهرورزی به تحلیل ادله قرآنی و فقهی مهرورزی پرداخته می‌شود. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

جلوه‌های مهرورزی نسبت به فرزندان در قرآن کریم مطالعه آیات شریفه قرآن کریم حاکی از آن است که خداوند متعال جلوه‌هایی از مهرورزی نسبت به فرزندان را به والدین گوشزد کرده است که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

مهرورزی بی نظیر در قالب شیردادن فرزند توسط مادر "وَالْوَالِدَاتُ لِأَبْنَائِكُنَّ وَالْوَالِدَاتُ لِأَبْنَائِكُنَّ وَالْوَالِدَاتُ لِأَبْنَائِكُنَّ...؛ (بقره، ۲۳۳) و مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوره شیرخوارگی را تکمیل کند..."

فقه‌ها با توجه به نکته یاد شده، آیات دیگر، مانند... فَإِنَّ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فِ؟ «أَتَوْهُنَّ أَجْرَهُنَّ...؛ (طلاق، ۶) و روایات، گفته‌اند: شیر دادن بر مادر واجب نیست، مگر سه روز آغاز ولادت، که عده‌ای از فقها شیر دادن در این سه روز را بر مادر واجب کرده‌اند. ر.ک: تفسیر المیزان، علامه طباطبایی؛ ج ۲، ص ۲۴۰، دفتر انتشارات اسلامی، قم / تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۲، ص ۱۸۶، دارالکتب الاسلامیه / جواهر الکلام، شیخ محمد حسن جواهری، ج ۳۱، ص ۲۷۲، مکتبه الاسلامیه، تهران / تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۷۹، مؤسسه اسماعیلیان، قم.)

مهرورزی با انتخاب همسر برای فرزند "وَ أَنْكَحُوا الْأُيُومِيَّ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَاعِكُمْ...؛ (نور، ۳۲) بی‌همسران خود و غلامان و کنیزان درستگارتان را همسر دهید... [جهت آگاهی بیشتر ر.ک: بهرام محمدیان، نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، انتشارات انجمن اولیا و مربیان]

مهرورزی با نجات فرزندان از خطرهای جانی و اخلاقی "وَتَادَى نُوْحًا ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزَلٍ يَسِّنِي أَرْكَبْ مَعَنَا وَلَا تُكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ؛ (هود، ۴۲) آن کشتی ایشان را در میان موجی کوه‌آسا می‌برد و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ زد ای پسرک من با من سوار شو و با کافران مباش".

در حالی که سیل همه جا را فرا گرفته حضرت نوح در کشتی نجات بود، یک لحظه از وضعیت فرزندش غافل نشد و برای نجات جسم او از غرق شدن و جان او از کفر خطاب به او آیه ذکر شده را بیان فرمود.

مهرورزی با مراقبت بر نماز خواندن فرزندان "وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ (طه، ۱۳۲) خانواده [زن و فرزندان] خود را به نماز فرمان بده و خود بر آن شکیبا باش".

"يَسِّنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ؛ (لقمان، ۱۷) حضرت لقمان به فرزندش گفت: پسر نماز را به پادار.

مرحله دوم، سابقه بدقولی و پیمان شکنی نیز داشته‌اند؛ اما باز هم حضرت یعقوب قسم و پیمان آنها را می‌پذیرد. قرآن کریم با نقل این ماجرا، وظیفه پدران و مادران را در اعتماد به تعهدها و پیمان‌های فرزندان گوشزد می‌کند و بر تأثیر تربیتی این عمل در رشد و فضایل اخلاقی و اعتماد به نفس آنها صحه می‌گذارد.

مهرورزی با امیدوار کردن فرزندان به حل مشکلات هنگامی که برادران حضرت یوسف ناامیدانه از یافتن آن حضرت و نجات بنیامین سخن می‌گفتند و همه چیز را از دست رفته می‌دیدند، حضرت یعقوب غ دوباره آنها را به مصر روانه کرد و از آنان خواست که از رحمت خدا نا امید نشوند که نا امیدي از رحمت بی‌کمران الهی نشانه کفر و ناسپاسی است: "وَلَا تَأْيُ؟ (سُوْا مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ اِنَّهٗو لَا يَأُ؟ (س مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكٰفِرُوْنَ" (یوسف، ۸۷) این رفتار پسندیده حضرت یعقوب از وظیفه دایمی پدران در برابر فرزندان خود خبر می‌دهد. وظیفه‌ای که طی آن والدین و به خصوص پدر باید با القای روح امید و کوچک نمایی مشکلات، فرزندان خود را در پیمودن راه پرپیچ و خم زندگی یاری رساند.

مهرورزی در قالب استغفار برای فرزندان دعای پدر و مادر بیش از هر کس دیگر در حق فرزندان مستجاب می‌شود. بنابر روایات متعدد، خداوند متعال با دعای پدر و مادر، گناهان بسیاری را از فرزندان می‌بخشد؛ از این رو والدین موظفند که در صورت مشاهده آثار پشیمانی و توبه در رفتار و گفتار فرزندان برای آنان استغفار کرده، بخشش گناهان آنان را از خداوند متعال بخواهند. آیات ۹۷ و ۹۸ سوره یوسف درباره تقاضای برادران یوسف از پدر برای استغفار و پذیرش آن از سوی حضرت یعقوب حکایت می‌کند.

فرزندان وظیفه دارند احترام والدین را رعایت کنند، حتی اگر آنان حقوق فرزندان را رعایت نکنند. قرآن کریم می‌فرماید: "وَقَضَى رَبِّكَ اَلَّا تَعْبُدُوْا اِلَّا اِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا اِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ اَحَدُهُمَا اَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا اَفْ و لَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيْمًا" (اسراء، ۲۳) و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید. اگر یکی از آنان یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند با آنان حتی "اوف" مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنان سخنی شایسته بگوی. "امام صادق در تفسیر این آیه می‌فرماید: اگر تو را به تنگ آوردند به آنان اوف مگو و اگر تو را زدن با آنان درشتی مکن و به آنان بگو: خدا شما را بیامرزد. این سخن کریمانه و محترمانه است.

مهرورزی نسبت به فرزندان از دیدگاه روایات یکی از روش‌های تربیتی قرآن کریم، جهت دهی به عواطف انسانی است. قرآن کریم می‌فرماید: «ای پیامبر به مردم بگو اگر خدا را دوست دارید، از من تبعیت کنید تا اینکه خداوند نیز شما را دوست داشته باشد.» قرآن در جایی دیگر در توصیف قومی برتر، محبت

"و اِذْ قَالَ اِبْرٰهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ اٰمِنًا وَّ اجْنُبْنِي وَّ بَنِيَّ اَنْ نَّعْبُدَ الْاَوْصِنَامَ" (ابراهیم، ۳۵) یاد کن هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا این شهر را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بت‌ها دوردار."

این آیه نگرانی حضرت ابراهیم را از آینده فرزندانش بیان می‌کند. وی از خداوند برای فرزندان امنیت، سلامت جسمی و اخلاقی را درخواست می‌کند.

مهرورزی با فرزند تا محرم الاسرار دانستن والدین آیه چهارم سوره یوسف از روابط بسیار نزدیک و صمیمانه حضرت یوسف با پدرش حکایت می‌کند؛ به گونه‌ای که حضرت یوسف خواب عجیب و پر رمز و راز خود را تنها برای پدرش نقل می‌کند. "اِذْ قَالَ يُوْسُفُ لَا اَبِيْهٖ يٰٓاَبَتِ اِنِّيْ رَاَيْتُ اَحَدَ عَشَرَ كُوْكَبًا وَّ الشَّمْسُ وَّ الْقَمَرَ رَاَيْتَهُمْ لِيْ سٰجِدِيْنَ" حق بازی و سرگرمی؛ امام صادق می‌فرماید: بگذار فرزندت تا هفت سال به بازی بپردازد.

مهرورزی با فراهم آوردن زمینه مناسب برای بازی و گردش فرزندان

هنگامی که برادران حضرت یوسف از پدرشان درخواست می‌کنند که آن حضرت را به بازی و گردش (یرتع و يلعب) ببرند پدر، آنان را از این کار منع نمی‌کند؛ تنها نگرانی خودش را از وجود حوادث احتمالی اظهار می‌نماید. این جملات نشان می‌دهد که حضرت یعقوب به عنوان یک پدر نسبت به این حق فرزندش آگاهی داشته و از آن استقبال کرده است. آیه مورد نظر چنین است: "اَرْسَلْهُ مَعَنَا غَدًا يَّرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَاِنَّا لَهٗ لَحٰفِظُوْنَ".

مهرورزی در قالب تذکر به فرزندان در برابر سهولت انگاری‌ها در آیات ۱۸ و ۸۳ سوره یوسف، جمله یکسانی از حضرت یعقوب غ خطاب به فرزندانش نقل می‌شود. ایشان در برابر کوتاهی فرزندان در مراقبت از حضرت یوسف (آیه ۱۸) و برادرش بنیامین (آیه ۸۳) خطاب به آنها می‌گوید: "بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا فَصَبِّرْ حَمِيْلٌ؛ چنین نیست که می‌گویید، بلکه نفس شما امری را به اشتباه برای شما آراسته است."

گرچه داستانی که آنان برای کشته شدن حضرت یوسف ساخته بودند دروغ بود و جریانی را که درباره بنیامین و سرقت جام به دست وی نقل می‌کردند حقیقت داشت (حداقل به خیال خودشان) اما در هر دو مورد دچار شتابزدگی و اشتباه در تصمیم‌گیری شده بودند و امری را که نادرست بود، درست پنداشته بودند. در چنین شرایطی است که حضرت یعقوب تذکر لازم رابه آنها داده، با سرزنش آنان و مذمت کار نادرستشان وظیفه پدری خود را در برابرشان انجام می‌دهد.

مهرورزی با پذیرش قول و تعهد فرزندان آیات ۱۴ و ۶۶ سوره یوسف از پیمان‌سپاری فرزندان حضرت یعقوب به ایشان خبر می‌دهد. آیه ۱۴ درباره تعهد آنان به مواظبت از یعقوب در برابر گرگ‌ها و آیه ۶۶ درباره پیمان آنها برای محافظت از جان بنیامین سخن می‌گوید. در هر دو مورد، حضرت یعقوب غ با قرار دادن شرایطی قول و تعهد فرزندان را می‌پذیرد؛ با این که در

۱. قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّوْنَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ يَحْبِبْكُمُ اللّٰهُ (آل عمران/۳۱)

امام سجاده (ع) در فرازی دیگر برای فرزندانش چنین دعا می‌کند که «خدایا فرزندانم محب اولیای باشند<sup>۴</sup> که نشان می‌دهد این اهتمام در سیره تربیتی معصومان وجود داشته است. همچنین در مرفوعه ابی اسامه، شخصی از امام مجتبی (ع) می‌خواهد که در حقیقت دعایی کند تا خداوند به او پسری سالم و محب اهل بیت (ع) را عنایت کند. آن حضرت می‌فرماید: «به منزلت برو خداوند، پسری سالم که از شیعیان ماست به تو عطا کرده است.<sup>۵</sup>» نتیجه آنکه، ایجاد و تثبیت محبت خدا و اولیای الهی در دل فرزندان، واجب است.

پس از بررسی جهت‌دهی مهرورزی والدین و تربیت عاطفی، پرسشی دیگر این است که والدین از طریق چه روش‌هایی می‌توانند به فرزندان خود محبت کنند و عواطف آنان را شکل دهند؟ به عبارت دیگر روش‌های مجاز و مُصرح در گفتار و کردار معصومان (ع) کدام است؟ در ادامه عناوینی چون «رحم بر فرزندان، تصابی، اکرام فرزند و بوسیدن فرزند» بررسی می‌شود.

رحم بر فرزندان  
واژه رحم در عربی به «رقت قلب و عطف، همراه احسان و نیکی» گفته می‌شود (۶، ۷، ۸)؛

حتی طبق تصریح برخی لغت‌شناسان، رحمت با خیر و صلاح، همراه است؛ گرچه در ظاهر با درد و ناخوشی باشد (۹)؛ مانند رحمت والدین به فرزند برای درمان بیماری فرزند که ممکن است به همراه درد وی باشد.

رحم در یک تحلیل روانشناختی نوعی انفعال نفسانی است که از محبت و عطف قلبی ناشی می‌شود و به نیکی به شخص مورد رحمت، منجر می‌شود. بنابراین هر نوع انفعال، تأثر و رقت قلب که به ابراز محبت و احسان منجر نشود، رحم نیست و یا هر نوع احسان و ابراز نیکی اگر از سر محبت و عطف نباشد، ترحم خوانده نمی‌شود.

۵. (احمد بن خالد فی المحاسن و عنی انتی محبوب عن زید الشَّحَام قال: قال لی أبو عبد الله یا زید حبا ایمان و بغضا کفر. (حرعاملی، ۱۴۲۸، ج ۲۸، ص ۳۴۶) سند صحیح است.

۶. وَ عَنْهُمْ عَنْ ابْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُدْرِكِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْإِسْلَامُ عَرِيَانٌ فَلِبَاسُهُ الْحَيَاءُ وَ زِينَتُهُ الْوُفَاءُ وَ مَرْوَةٌ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ عِمَادَةُ الْوَرَعِ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّ أَهْلِ الْبَيْتِ. (وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸۴). سند این روایت، به علت وجود عبد الله بن قاسم و مدرک بن عبد الرحمن معتبر نیست.

۷. متقی هندی، ۱۳۶۴، ج ۱۶، ص ۱۸۹

۸. اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَحَبَّ الْأَشْيَاءِ إِلَيَّ وَ أَرْبَاهَا لَدَيَّ وَ أَهْمَهَا إِلَيَّ حُبِّكَ وَ حُبَّ رَسُولِكَ وَ حُبَّ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۸۶).

۹. وَ لِأَوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ. (الصحيفة السجادية، ص ۱۲۰، دعای ۲۵).

۱۰. عن أبي أاثمه عن أبي عبد الله صلى الله عليه وسلم قال: ... ادع الله لي أن يرزقني ولدا ذكرا و محبكم أهل البيت فإني خلفت أظلي تمخض فقال (حسن بن علي انطلق إلي منزلك فقد وهب الله لك ذكر شويبا و هومن شيعتنا. (كليني، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۳).

دو طرفه خداوند و آن قوم را برمی‌شمارد. قرآن کریم علاوه بر جهت دهی گرایش‌های پاک مخاطبان خود، به سوی محبت خداوند، محبت اولیای خود را نیز در دستور کار قرار می‌دهد و مودت ذوی القربی را پاداش رسالت برمی‌شمارد. بر پایه این کریمه، مودت ذوی القربی، مزد رسالت است.

به یقین، تعهد به پاداش رسالت و قدردانی از زحمات رسول اسلام واجب است. مؤید این برداشت، چند روایت صحیح‌السند<sup>۲</sup> است که یکی از ارکان پنج‌گانه اسلام، ولایت معرفی شده و در روایت صحیح‌السند دیگر، برترین و کلیدی‌ترین این ارکان، ولایت است.<sup>۴</sup> در روایت صحیح‌السند دیگر<sup>۵</sup>، حب اهل بیت مایه ایمان، و بغض آنان، مایه کفر خوانده شده است. نیز در بیانی دیگر<sup>۶</sup>، محبت اهل بیت اساس اسلام شمرده می‌شود. پیامبر اکرم (ص) در روایتی نبوی به نقل از مجامع اهل سنت فرمودند: «أدبوا أولادكم علی ثلاث خصال: حب نبيكم، و حب أهل بيته، و قراءة القرآن»<sup>۷</sup>؛ فرزندان خود را بر سه ویژگی تربیت کنید: محبت پیامبر و محبت اهل بیتش و قرائت قرآن.»

از سوی دیگر با توجه به وظیفه واجب صیانتی والدین (مطابق آیه وقایه: تحریم آیه ۶)، والدین موظف‌اند محبت خدا و اهل بیت (علیهم السلام) را در دل فرزندان نشان ایجاد و تثبیت کنند. روشن است که چون محبت، امری قلبی است و قابل تکلیف نیست، امر به محبت، در واقع، امر به مقدمات آن است و والدین موظف به زمینه‌چینی برای ایجاد و تعمیق محبت خداوند و اولیای او هستند. توجه به جهت‌دهی مسیر تربیت عاطفی و کاشتن بذر محبت خدا و اولیای الهی در ادعیه معصومان (علیهم السلام) نیز تأکید شده است.

در یکی از دعاها چنین آمده است:  
بارالها! دوست داشتنی‌تر، بهترین و مهم‌ترین چیز را نزد من، محبت خودت و محبت رسولت و محبت اهل بیت پاکش قرار ده.<sup>۸</sup>

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ... (مائده/ ۵۴)

۲. قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى. (شوری/ ۲۲)

۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِي عَلِيِّ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْكُوفِيِّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ ابْنِ بِنِ عُمَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَّارِ عَنِ أَبِي جَعْفَرِ ع قَالَ: بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ الْحَدِيثِ.. (وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۳، ح ۱)؛ وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ حَمَّادِ بْنِ حَرْبِزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ ع قَالَ: بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ الْحَدِيثِ. (وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۵، ح ۵) و همان، حدیث ۱ و ۴)

۴. وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ جَمِيعًا عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرْبِزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ ع قَالَ: بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ وَ أَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهَا قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْأَفْضَلِ فَقَالَ الصَّلَاةُ قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِيهَا فِي الْأَفْضَلِ قَالَ الزَّكَاةُ لِأَنَّهَا قَرْنَاهَا بِهَا وَ بَدَأَ بِالصَّلَاةِ قَبْلَهَا قُلْتُ فَأَلَّذِي يَلِيهَا فِي الْأَفْضَلِ قَالَ الْحَجُّ قُلْتُ مَاذَا يَتَّبَعُهُ قَالَ الصَّوْمُ الْحَدِيثِ. (حرعاملی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۳، ح ۱)

روایات متعددی بر رحمت به فرزندان تأکید دارند؛ از آنجا که ترجمه، نوعی مهرورزی و ابراز محبت قلبی به شخص مورد رحمت است، می‌تواند یکی از روش‌های مهرورزی و تربیت عاطفی قلمداد شود. در ادامه، برخی از این روایات بررسی می‌شود.

روایت عبدالله بجلی: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَبَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنْكُمْ تَرُزُّوْنَهُمْ (۱۰)». این روایت، اولین روایتی بود که در دلیل سوم بررسی شد.

روایت ابی هریره: «أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ فِي الْمُسْنَدِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُقْبِلُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَقَالَ عَيْنُهُ وَفِي رِوَايَةٍ غَيْرِهِ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ أَنَّ لِي عَشْرَةٌ مَا قَبِلْتُ وَاحِدًا مِنْهُمْ قَطُّ فَقَالَ ع مِنْ لَأَ يَرْحَمُ لَأَ يَرْحَمُ وَفِي رِوَايَةٍ حَفْصُ الْفَرَّاءِ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَتَّى اتَّمَعْتُ لُونَهُ وَقَالَ لِلرَّجُلِ إِنْ كَانَ اللَّهُ قَدْ نَزَعَ الرَّحْمَةَ مِنْ قَلْبِكَ فَمَا أَصْنَعُ بِكَ مِنْ لَمْ يَرْحَمُ صَغِيرَنَا وَ لَمْ يُعْزِزْ كَبِيرَنَا فَلَيْسَ مِنَّا (۱۱)». ابی هریره می‌گوید: پیامبر اکرم (ص) حسن و حسین (ع) را بوسید و در روایتی دیگر اقرع بن حابس عرض کرد: من ده فرزند دارم و هیچ کدام را یک بار هم نبوسیده‌ام؛ پیامبر فرمود: کسی که به دیگران رحم نکند مورد رحم قرار نمی‌گیرد. در روایت حفص آمده است که پیامبر (ص) به حدی خشمگین شد که رنگش پرید و به آن مرد فرمود: اگر رحمت از قلبت رخت بسته باشد با تو چه کنم؟ هر کسی که بر کودکان ما رحم نکند و بزرگسالان ما را احترام ننماید، از ما نیست.»

این روایت از مصادر عامه است و سند معتبری ندارد. محل شاهد، سه تعبیر است: «ارحموهم»، «من لا یرحم لا یرحم» و «من لم یرحم صغیرنا ... فلیس منا». این تعابیر می‌توانند مفید و خوب رحم باشند؛ اما وجود رحم با مراتب مختلف آن و اطلاق آن سازگار نیست در صورتی که قرینه ای برای ترجیح یکی از احتمالات در میان نباشد باید به قدر متیقن اکتفا کرد که استحباب رحم به کودکان است. البته باید توجه داشت که این روایات به پدر و مادر، اختصاص ندارند.

همچنین با توجه به تفکیک مهرورزی به صورت ارزش اخلاقی و روشی برای تربیت عاطفی، باید توجه داشت که در این روایات، رحم به کودکان بیشتر به منزله فضیلت اخلاقی مطرح شده است تا اینکه به طور مستقیم به صورت روشی برای تربیت عاطفی باشد. روش تصابی

از دیگر روش‌هایی که روایات معصومان (ع) برای تربیت عاطفی فرزندان به آن توجه داشته‌اند، روش تصابی است. تصابی از واژه صبی به معنای کودک و به معنای «خود را به بچگی زدن و رفتار کودکانه داشتن» به کار می‌رود.

تصابی، روشی عام است که در همه ساحت‌های تربیت عقلانی، جسمانی، جنسی، اجتماعی، اعتقادی و ... کاربرد دارد. با این روش، مفاهیم بزرگسالانه در قالب رفتار کودکانه به کودک منتقل می‌شود.

به نظر می‌رسد اساس تصابی، مهرورزی به کودک است. اگر مربی و یا مجری تلویزیونی، رفتاری تصنعی در همناوی با کودکان داشته باشد، با اقبال کودکان مواجه نمی‌شود.

براین اساس، تصابی، یکی از روش‌هایی است که مورد تأکید روایات اسلامی است و روشی برای مهرورزی و تربیت عاطفی به شمار می‌رود. در ادامه به دو روایت منقول در مجامع روایی شیعه، اشاره می‌شود:

• روایت اول: «ابن فضال عن ابی حمیلہ عن سعد بن طریف عن الأصبغ قال: قال أمير المؤمنين ع من كان له ولد صبا، امام علی می‌فرماید: هر که فرزندی دارد، صبابت به خرج دهد (رفتاری کودکانه با فرزندش داشته باشد)».

• روایت دوم: «محمد بن علی بن الحسین قال: قال النبي ص من كان عنده صبي فليتصاب له (۱۲)؛ پیامبر (ص): هر کسی کودکی نزدش است باید با او تصابی کند.»

در توضیح معنای این روایات، نکاتی مطرح می‌شود:

- روایت دوم با صیغه امر است و بر وجوب، دلالت دارد و خود، قرینهای بر آن است که روایت اول - که به شکل جمله اخباری بیان شده است - (من کان له ولد صبا)، اخبار در مقام إنشاء است که تأکید بیشتری دارد؛ اما ظهور صیغه امر در وجوب با اطلاق تصابی و ذمراتب بودن آن سازگار نیست و نمی‌توان گفت که همه سطوح رفتار کودکانه بر همه مکلفان، واجب است (تکلیف بمالایطاق). در نتیجه باید به استحباب مؤکد رفتار کرد

. با عارض شدن عناوین ثانوی، ممکن است حکم رفتار کودکانه به وجوب، یا حرمت و کراهت تغییر یابد؛ برای نمونه اگر درک نکردن صحیح فضای کودکان و نداشتن رفتار کودکانه، به گمراهی و تباهی آنان در آینده منجر شود، این کار از باب وقایه، واجب و ترک آن حرام است.

• روشن است که رفتار کودکانه، در مکان، زمان و شرایط مختلف، مصادیق متنوعی دارد. والدین از باب مقدمه، موظف اند فضای فکری و ذهنی کودکان را بشناسند و همگام با تحولات رشدی، شناختی و روانی کودک با آنان رفتار کنند.

. اطلاق روایات، تفاوتی میان کودک مذکر و مؤنث نمی‌نهد و نیز این مسئولیت، به طور یکسان، متوجه پدر و مادر است و به پدر اختصاص ندارد؛ البته هر کسی که هر نوع تعاملی با کودکان دارد، مخاطب این تکلیف است.

اکرام فرزند «کرم» به معنای شرافت انسان است (۷) و وقتی خداوند به آن توصیف می‌شود، نامی برای احسان و انعام بیشمار الهی است. وقتی انسان به این صفت، توصیف می‌شود، صفتی برای اخلاق و رفتارهای پسندیده آشکار وی است (۸). به باور برخی لغت پژوهان، ریشه اصلی ماده «کرم» در مقابل «هوان» است؛ مانند تقابل عزت و ذلت. برخلاف ذلت که اذلال از نیروی بیرونی و برتر، اعمال می‌شود، در «هوان» پستی از درون نفس انسان و کرامت نیز عزت، شرافت

۱. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۰. این زنجیره سندی به سبب ابی حمیلہ و سعد بن طریف اعتبار ندارد.

فرزندان دارد و در روایات متعددی به آن تأکید شده است. البته باید توجه داشت که استحباب ابراز محبت، اصلی عام در دلیل سوم است. اگر روایاتی بر بوسیدن فرزند تأکید نمی کردند، باز هم بوسیدن، یکی از مصادیق ابراز محبت، و مستحب شمرده می شد؛ اما تأکید ویژه بوسیدن در گفتار و کردار معصومان بار معنایی جداگانه ای دارد.

در ادامه، چند روایت بررسی می شود:

روایت اول: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَدَةَ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ الْأَزْدِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ مَا قَبَلْتُ صَبِيًّا قَطُّ فَلَمَّا وَلِيَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا رَجُلٌ عِنْدِي أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ<sup>۱</sup> مردی نزد پیامبر(ص) رسید و گفت: تاکنون هرگز کودکی را ننویسیدم. وقتی از نزد پیامبر(ص) مرخص شد، حضرت فرمود: این مرد در نظر من، از اهل جهنم است.»

و روایت دوم: «قَالَ: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُقَبِّلُ (الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ) ع- فَقَالَ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ إِنَّ لِي عَشْرَةَ مِنْ الْوَلَدِ مَا قَبَلْتُ أَحَدًا مِنْهُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص- مَنْ لَأ يَرْحَمَ لَأ يَرْحَمَ (۱۲)؛ پیامبر اکرم (ص) حسن و حسین علیهما السلام را می بوسید اقرع بن حابس عرض کرد: من ده فرزند دارم و هیچ کدام را یک بار هم ننویسیده ام؛ پیامبر(ص) فرمود: کسی که به دیگران رحم نکند مورد رحم قرار نمی گیرد.»

• روایت سوم: «عَدَةُ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ قَبْلِ وَلَدِهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَ مِنْ فَرَحِهِ فَرَحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ عِلْمِهِ الْقُرْآنَ دَعَى بِالْأَبْوَابِ فَيَكْسِيَانِ حُلَّتَيْنِ يَضِيءُ مِنْ نُورِهِمَا وَجْهَ أَهْلِ الْجَنَّةِ<sup>۲</sup> پیامبر(ص) فرمود: هرکسی فرزندش را ببوسد، خداوند ثوابی برایش می نویسد و هرکسی فرزندش را شاد سازد، خداوند او را در قیامت شاد می کند و کسی که به فرزندش قرآن بیاموزد در قیامت دو لباس به والدینش می پوشاند که از نور آنها، صورت بهشتیان، نورانی می شود.»

• روایت چهارم: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْفَتَّالُ فِي رَوْضَةِ الْأَوْعَظِينَ قَالَ: قَالَ ع أَكْثَرُوا مِنْ قَبْلَةٍ أَوْلَادِكُمْ فَإِنْ لَكُمْ بِكُلِّ قَبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةٌ خَمْسَمِائَةِ عَامٍ» (۱۲). امام علی(ع) فرمود: فرزندان را زیاد ببوسید؛ زیرا با هر بوسه، مرتبه ای در بهشت به شما داده می شود که مسیرش ۵۰۰ سال است.»

ملاحظه شد که هیچیک از روایات چهارگانه سند معتبری نداشتند؛ ولی از نظر دلالت، دو روایت اول بر کراهت نبوسیدن و دو روایت دوم بر استحباب بوسیدن فرزند دلالت دارند. البته ظاهر روایت اول که وعده عذاب داده است، حرمت نبوسیدن فرزند است؛ اما قرآینی وجود دارد که بر کراهت حمل می شود. این شواهد عبارت اند از: ضعف سند، ناسازگاری حرمت با ارتکاز فقهی، تعبیر پیامبر این است که نزد من از اهل آتش است و ممکن است علت ورود به جهنم، دلایل دیگری هم داشته باشد.)

شخصیتی و درونی است و مفاهیمی چون سخاوت، بزرگواری و ... از آثار کرامت نفس محسوب می شود. (۹)

بر این اساس، اکرام به معنای شخصیت بخشی و اعطای عزت و ارزشمندی به فرد دیگر است که در قالب احسان، انعام، احترام و ... ظهور می کند.

روایات تربیتی بر اکرام و شخصیت دهی به کودکان، تأکید می کنند و آن را روشی برای مهرورزی و تربیت عاطفی کودکان می شمارند؛ برای نمونه در دو روایت نبوی که در مجامع روایی اهل سنت به شکل مرسله آمده است، پیامبر اسلام(ص) فرمودند: «اَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرُ لَكُمْ» (۵، ۱۲) و در فرمایشی دیگر فرمودند: «اَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ» (۱۳)

در هر دو روایت، به قرینه «احسنوا آدابهم» روشن می شود که فضای تربیتی مدنظر است و اکرام، تنها به معنای احسان، انعام و برآوردن نیازهای مادی نیست و احترام به شخصیت و بزرگداشت عزت نفس وی - که آن هم نوعی نیاز روانی است - مد نظر بوده است. همچنین خطاب، شامل پدر و مادر است و فرزندان پسر و دختر را شامل می شود.

باید توجه داشت که ضعف سند، خللی در برداشت حکم از این روایات، ایجاد نمی کند؛ زیرا رجحان عام اکرام و احترام به شخصیت دیگران از مؤلفه های اخلاق اسلامی است

و این دو روایت، تأکید ویژه پیامبر(ص) در تعامل با کودکان نشان می دهد؛ اما آیا می توان ادعا کرد که اکرام فرزند، واجب است؛ در پاسخ باید گفت: تعارض درونی که در مواضع پیشین این نوشتار به آن اشاره شد در اینجا هم رخ می نماید و ظهور صیغه امر (اکرموا) در وجوب با اطلاق و گستره وسیع اکرام - که مقول به تشکیک است - سازگار نیست و با ارتکاز شرعی و عقلی ما تناسبی ندارد که گفته شود هر نوع اکرام و احترام به شخصیت کودک از جزئی ترین تا کلی ترین رفتارها بر همه مکلفان، واجب است. پس باید به استحباب مؤکد اکرام فرزند، رأی داد.

البته روشن است که این حکم، حکمی اولی است و اگر ترک اکرام، سبب آزار، ضرر و یا اهانت و ... به فرزند شود؛ اکرام، وظیفه ای واجب خواهد بود.

در همینجا باید متذکر شد که دختر در خانواده و به ویژه در جذب مهرورزی و دریافت تربیت عاطفی، جایگاهی ویژه دارد. روایات متعددی که در میان آنها روایات صحیح السند نیز دیده می شود) نگاه تحقیرآمیز عصر جاهلی را به دختران، نفی و از ناخوشایند دانستن دختر، نهی می کند (۱۲). همچنین ویژگی های ارزشمندی برایشان متذکر می شود (۱۲) و یا در ازای کفالت زندگی دختران و بانوان، ثواب های متنوعی می آورد و در شماری دیگر از روایات، تمنای مرگ دختران را تقیح می کند (۱۲).

بوسیدن فرزند یکی دیگر از جلوه های مهرورزی، بوسیدن فرزند است. بوسیدن، کارکردهای فراوانی در تربیت عاطفی و شکل دهی به عواطف

<sup>۱</sup>. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶ ص ۵۰. این سند هم مرسله است و هم اینکه حسن بن

یوسف عضدی، توثیق ندارد

<sup>۲</sup>. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۹. این روایت ضعیف السند است؛ زیرا شریف بن ثابت و فضل بن ابی قره، توثیق ندارند.

مخاطب اکثر آیات و روایات وارده در این خصوص والدین هستند. بنابراین می‌توان گفت که مهرورزی یک تکلیف به الزام بیشتر بر والدین، مورد تأکید فقه تربیتی است.

## References

1. Veskooi, Hamid. (1390). Assumptions of the causes of recidivism in Nowshahr prison. Reform and Education Monthly, No. 111.
2. Mohammadzadeh, Fatemeh. (1385). Philosophy of Pestalozzi. Teacher Growth Monthly, No. 207.
3. Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi. (1393). Principles and principles of education in Islam. Information base of the works of Ayatollah Mohammad Taqi Mesbah Yazdi
4. Textile of pilgrims, Ismail (2006). "Educational methods from the perspective of the Great Prophet". Monthly Education, Year 22, Number 1.
5. Tabarsi, Ali ibn Hassan. (1344). Mishka Al-Anwar in Gharr Al-Akhbar. Najaf: Al-Haidarya Library, second edition.
6. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram, 1414, Arabic language, Beirut, Dar al-Fikr for printing and publishing, Dar Sader
7. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad, 1409 AH, Al-Ain, second edition, Qom, Hijrat Publishing
8. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad, 1412 AH, Glossary of Quranic Words, Dar Al-Shamiya Publications, Beirut, First
9. Mostafavi, Hassan, 1989, Research in the words of the Qur'an, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance, first edition
10. Klini, Mohammad Ibn Yaqub, 1407, Al-Kafi, Tehran, Islamic Library, Fourth Edition
11. Ibn Shahr Ashob Mazandarani, Mohammad Ibn Ali, 2000, Manaqib Al Abi Talib, Qom: Allameh

در مجموع با توجه به این چهار روایت و نیز سیره معصومان(ع) به ویژه نبی مکرم اسلام(ص) در بوسیدن فرزندان و نوه‌ها ممکن است به استحباب مؤکد بوسیدن فرزند حکم کرد.

البته باید توجه داشت که این حکم، حکمی اولی است و در صورتی که عنوان ثانویه ای رخ دهد، حکم استحباب به وجوب و یا حکمی دیگر تبدیل می‌شود؛ برای نمونه اگر نبوسیدن، سبب حقارت کودک و یا عقده‌های روانی که منجر به عصیان الهی و گمراهی در بزرگسالی شود از باب وقایه، بوسیدن، واجب خواهد بود و یا اینکه اگر بوسیدن، سبب زیان رسیدن به کودک باشد، این کار، مکروه یا حرام خواهد بود. در ضمن در همه روایات به بوسیدن فرزند خود و نه کودکان دیگر، توجه شده است.

آثار روحی- روانی مهرورزی نسبت به فرزندان

محققان، روانشناسان و روان‌پزشکان بر این باورند که محبت و مهرورزی به فرزندان نقش بسیار زیادی در کاهش مشکلات و رفتارهای ناپسند فرزندانشان دارد. روانشناسان تأکید می‌کنند که محیطی گرم و صمیمی در خانواده به همراه محبت و مهرورزی والدین به فرزندان، عاملی در جهت کاهش پرخاشگری کودکان می‌باشد (۱۴).

از دیدگاه روانشناسان کودکی که در محیط خانواده از محبت و مهرورزی پدر و مادر برخوردار باشد قدرت سازش-یافتگی بیشتری داشته، احساس سکون و آرامش کرده، اعتمادبه خود قوی داشته، و نسبت به قوانین اخلاقی، حساس است (۱۵).

مهرورزی والدین نسبت به فرزندان تا بدان جا اهمیت دارد که از جمله فعالیت‌های درمانی و آموزشی که متمرکز بر والد به ویژه مادر می‌باشد، آموزش متمرکز بر مهرورزی است. مهرورزی ارائه نوعی همدلی و فهم غیرقضاوتی نسبت به دردها، رنج‌ها، اشتباهات و ناشایستگی‌های خود است، به نحوی که تجارب تلخ خود را به عنوان بخش بزرگتری از تجارب انسانی ببیند (۱۷). اصول پایه در درمان مبتنی بر مهرورزی به این موضوع اشاره می‌کند که افکار، عوامل، تصاویر و رفتارهای تسکین بخش بیرونی باید درونی شوند براساس این یافته‌ها و در راستای تحقیق‌های انجام گرفته، گیلبرت (۱۷) به استفاده از این سازه در فضای جلسات درمان اقدام کرد. و در نهایت نظریه «درمان مبتنی بر مهرورزی» را مطرح کرد (۱۷). در درمان مبتنی بر مهرورزی به افراد، می‌آموزند که از احساسات دردناک خود اجتناب نکرده و آنها را سرکوب نکنند، بنابراین می‌توانند در گام اول تجربه خود را بشناسند و نسبت به آن احساس مهرورزی داشته باشند. سپس نگرش مهرورزانه ای به خود داشته باشند. در این روش درمانی به جای تمرکز بر تغییر «خودارزیابی» افراد، رابطه‌ی افراد با «خودارزیابی» آنان تغییر می‌یابد (۱۷).

نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش این است که اهتمام والدین به مهرورزی با توجه به آثار روحی روانی آن که مورد تأکید متخصصان، روانشناسان و روانپزشکان می‌باشد و با رعایت احکام فقهی آن به عنوان یک واجب «کفایی، تعیینی» جزو تکالیف الزامی خانوادگی آنهاست و

12. Free agent, Muhammad ibn Hassan, 1428, Shiite means to study Sharia issues, Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi, Beirut
  13. Ibn Abi Jumah, Muhammad ibn Zayn al-Din, 1405
  14. Xu Y, Farver JAM, Zhang Z. Temperament, harsh and indulgent parenting, and Chinese children's proactive and reactive aggression. *Child Dev.* 2009; 80 (1): 244-58
  15. Barghi Irani, Zahra (2016) The Effectiveness of Mindfulness-Based Stress Reduction Therapy on Fear of Negative Assessment, Changing Attitudes Toward Life, and Courage in Bad-Headed Adolescent Boys, *Quarterly Journal of Child Mental Health.* ۱۳۹۹; 7 (1): 15-31.
  16. Neff, K. (2003). Self-compassion: An alternative conceptualization of a healthy attitude towards oneself. *Self and identity*, 2, 85-101.
- Gilbert, P. (2009). Introducing compassion-focused therapy. *Advances in Psychiatric Treatment.* 15, 199–209.